

## بررسی رده‌شناختی قید حالت براساس چارچوب لوب دیل (۲۰۰۵) بین زبان انگلیسی و فارسی<sup>۱</sup>

\_\_\_\_\_ مرضیه افشاری<sup>۲</sup>، محمدحسین شرفزاده<sup>۳</sup> و آمنه زارع<sup>۴</sup>

### چکیده

بررسی‌های رده‌شناختی در ارتباط با تمام ارکان جمله صورت می‌گیرد که قید و انواعش نیز از آن مستثنی نیستند. در این پژوهش قید حالت براساس چارچوب رده‌شناختی لوب‌دیل در زبان انگلیسی و ترجمه متناظر آن در زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفت. در این چارچوب راهبردهای ده‌گانه‌ای برای طبقه‌بندی رده‌شناختی ۱۲۰ زبان دنیا ارائه شده است که زبان فارسی و انگلیسی نیز جزء آن است. در ابتدا جملات دارای قید حالت در زبان انگلیسی از رمان بلندی‌های بادگیر شناسایی و راهبرد به‌کاررفته در آنها مشخص شد. سپس جملات متناظر آن‌ها در ۴ ترجمه فارسی این شناسایی و راهبرد به‌کاررفته در آنها مشخص شد. یافته‌ها در جداولی باهم مقایسه شدند. نتایج تحقیقات پژوهش حاضر نشان داد که راهبرد قیدی در انگلیسی در اکثر موارد به راهبرد قیدی در فارسی ترجمه شده‌است و راهبرد حرف‌افزای نیز به‌همین ترتیب در بیشتر مواقع به راهبرد حرف‌افزای ترجمه شده‌است. در ارتباط با راهبرد صفت غیرشخصی نیز وضعیت همین است و در اکثر مواقع به راهبرد صفت غیرشخصی ترجمه شده‌است. نکته حائز اهمیت دیگر این است که در موارد متعددی راهبردهای به‌کاررفته در زبان انگلیسی، به سایر گروه‌ها در زبان فارسی نیز ترجمه شده‌اند. در نتیجه باید گفت که متناظر تک‌به‌تک و دقیقی برای راهبردهای موجود در زبان انگلیسی در زبان فارسی نمی‌توان یافت.

**واژه‌های راهنما:** چارچوب رده‌شناختی لوب‌دیل، قید حالت در زبان انگلیسی، قید حالت در زبان فارسی

---

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۴ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ به تصویب رسید.

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران؛  
پست الکترونیک: [afshari.69.b@gmail.com](mailto:afshari.69.b@gmail.com)

۳. استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران؛ پست الکترونیک:  
[h.sharafzadeh@miau.ac.ir](mailto:h.sharafzadeh@miau.ac.ir)

۴. استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران؛ پست الکترونیک:  
[a86.zare@yahoo.com](mailto:a86.zare@yahoo.com)

## ۱- مقدمه:

از بحث‌انگیزترین مباحث در مقوله‌های نحوی، قید است. افعال هر زبان می‌توانند صرفاً رویدادها و اتفاقات را بیان کنند اما جنبه‌های گوناگون آن را بیان نمی‌کنند. به عنوان مثال، حالت رخداد یک اتفاق یا زمان وقوع آن توسط فعل بیان نمی‌شود. لذا زبان‌ها، قیدها را به عنوان ابزاری در اختیار گویشوران خود قرار می‌دهند که با آن بتوانند جنبه‌های گوناگون رویدادها را بیان کنند (رحیمیان، ۱۳۹۲). در همین راستا پژوهش‌های متفاوتی در چارچوب‌های مختلف در ارتباط با قید و تعریف آن، انواع قید و غیره صورت گرفته است؛ مثلاً کریمی‌دوستان و تجلی (۱۳۹۸) قید حالت را از دیدگاه معنی‌شناسی رویدادی بررسی کرده‌اند. ارژنگ (۱۳۹۷)، باطنی (۱۳۸۹) و دیگر پژوهشگران سعی کرده‌اند آن را تعریف و طبقه‌بندی کنند.

پژوهش‌های متفاوتی در باب شناخت قید انجام شده است من جمله: شناخت ساختار قید، ویژگی‌هایی نحوی و دستوری آن و غیره. همچنین قید براساس چارچوب‌های متفاوت نیز بررسی شده است. برای مثال دانشور کشکولی (۱۳۹۴) قید را از دیدگاه نقش‌گرای نقش و ارجاع بررسی کرده است و یا رضایی و خدروی (۱۴۰۱) قیدهای زبان فارسی را از دیدگاه سرنمون رده‌شناختی مورد بررسی قرار داده‌اند. در میان جست‌وجوهای متفاوت مشخص شد در زمینه رده‌شناختی تقریباً درصد زیادی از پژوهش‌ها به بحث ترتیب واژه‌ها و توالی واژه‌ها و سایر موضوعات مرتبط با این حوزه می‌پردازد و تاکنون کمتر پژوهشی به بررسی قید از دیدگاه رده‌شناختی پرداخته است. خصوصاً آنکه موفق به پیدا کردن پژوهشی نشدیم که در آن قید حالت در زبان فارسی با ۱۲۰ زبان دیگر مقایسه شده باشد و جایگاه رده‌شناختی آن را در میان زبان‌های دنیا مشخص شده باشد. لذا درصدد بررسی مقایسه‌ای قید حالت در زبان انگلیسی با زبان فارسی براساس چارچوب رده‌شناختی لوب‌دیل (۲۰۰۵) شدیم.

## ۲- پیشینه پژوهش:

باطنی (۱۳۸۹) در کتاب «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی» به مطالعه قید پرداخته است. گروه قیدی از نظر باطنی به دو طبقه تقسیم می‌شود و از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده

است که در جمله‌واره، ساختمان واحد بالاتر، در جایگاه ادات قرار می‌گیرد: (۱) طبقه با علامت صوری، که خود دارای ۲ زیر طبقه است: الف) دارای تنوین عربی؛ ب) دارای حروف اضافه؛ (۲) طبقه بدون علامت صوری که همانند طبقه قبل دارای ۲ زیر طبقه است: الف) طبقه باز واژگانی؛ ب) طبقه بسته دستوری. طبیب زاده (۱۳۹۱) رابطه بین هسته و وابسته‌هایش را در گروه قیدی بررسی می‌کند و رابطه‌ی بین آنها را از نوع هسته و افزوده می‌داند. در ارتباط با تقسیم‌بندی قیود، در مرحله اول آنها را به دو دسته ذاتی و غیرذاتی تقسیم می‌کند و در تعریف آنها می‌نویسد: «کلمه یا گروه‌هایی که از حیث صورت قید نیستند اما از حیث نقششان در جمله قید محسوب می‌شوند را قیده‌های غیرذاتی می‌نامیم و کلماتی که هم از حیث صورت و هم از حیث نقش دستوری قید هستند را قیده‌های ذاتی می‌گوییم.» (طبیب‌زاده، ۱۳۹۱، ۳۰۱). دانشور کشکولی (۱۳۹۴)، قید فارسی را از نگاه دستوری نقش‌گرای نقش و ارجاع بررسی کرده و معتقد است که در دستور نقش‌گرای نقش و ارجاع، قید در نظام نحوی جایگاه ویژه‌ای دارد و به عنوان مقوله‌ای آزاد تلقی نشده و به لایه‌ی نحوی خاصی، تعلق و وابستگی دارد. وی در پژوهشش به این نتیجه رسیده که قیدها را از نظر وابستگی می‌توان به لایه‌ای خاص در طبقه‌بندی‌های نحوی - معنایی قرار داد. کریمی دوستان و تجلی (۱۳۹۶) قید حالت در زبان فارسی را در چارچوب معنی‌شناسی رویدادی بررسی و دسته‌بندی کرده‌اند. از نظر آنها نقش‌های اصلی در جمله معمولاً بیشتر به محمول‌ها<sup>۵</sup> و موضوع‌ها<sup>۶</sup> نسبت داده می‌شود و توصیف‌گرها<sup>۷</sup> عضو هیچ‌یک از این گروه‌ها به حساب نمی‌آیند و دارای نقش‌های جانبی هستند. آن دو دسته‌ای از قیدها به نام «قیده‌های کیفیت» تعریف می‌کنند که شامل «قیده‌های حالت» و «قیده‌های چگونگی» است. قطره (۱۳۹۶)، نگاهی به تعریف قید در فرهنگ‌های فارسی و انگلیسی انداخته است و الگوهای مورد استفاده برای تعریف قید را در فرهنگ‌های یک زبانه‌ی فارسی و انگلیسی بررسی کرده‌است. جهانتیغی و منصور (۱۳۹۷) توالی بی‌نشان قیدحالت را بررسی کرده‌اند و معتقدند که قیدها قابلیت جابه‌جایی در مکان‌های مختلف

---

5. Predicate

6. Argument

7. Modifier

جمله را دارند و می‌توانند به‌طور بی‌نشان در جایگاه‌های متفاوتی قرار بگیرند. همچنین اینکه آنها بر این باور هستند که جایگاه بی‌نشان قیده‌های حالت، زمان، مکان در دو زبان فارسی و انگلیسی با یکدیگر متفاوت است. شکری و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تطبیقی واحدهای زبانی «وصف فعل و صفت» در عربی با «قید» در فارسی و انگلیسی در چارچوب و قالب دستور زایشی-گشتاری پرداخته‌اند. آنها معتقدند که در فارسی و انگلیسی علاوه بر واژه‌های قیدی، سازه‌های دیگر مانند «گروه حرف اضافه‌ای»، «گروه اسمی»، «جمله‌واره قیدی» و «گروه صفتی» نیز می‌توانند نقش نحوی قید را داشته باشند. این سازه‌ها در زبان عربی نیز یافت می‌شوند اما نام‌های متفاوتی بر آنها گذاشته شده است.

### ۳- روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو براساس چارچوب رده‌شناختی لوب‌دیل (۲۰۰۵) بنا شده است. وی قید حالت و روش‌های متفاوت بیان حالت را در ۱۲۰ زبان دنیا بررسی کرده است و نتیجه مطالعاتش را در ۱۰ راهبرد جای داده است. پیکره مورد مطالعه در پژوهش حاضر جملات دارای قید حالت در متن انگلیسی ده فصل اول رمان *بلندی‌های بادگیر*<sup>۸</sup> بود. لذا، ۱۵۰ جمله انتخاب شد و راهبردهای به‌کار رفته در آنها مشخص شد. انتخاب رمان *بلندی‌های بادگیر* به صورت تصادفی بوده است، اما به دلیل دست‌پیدا کردن به نتایج جامع‌تر و قابل قبول‌تر از چهار مترجم یعنی علی‌اصغر بهرام‌بیگی، رضا رضایی، نگار غلام‌پور و مرجان اعتمادی استفاده شده است. سپس، قیده‌های حالت زبان فارسی در ترجمه‌ها پیدا شدند و راهبردهای آنها روشن شد. در نهایت داده‌ها در جداول مختلفی قرار گرفتند و باهم مقایسه شدند. شایان ذکر است که درحالی که بسیاری از راهبردهای ترجمه‌ای به سبک مترجم وابسته است، موارد دیگری از راهبردهای بکاررفته از تفاوت‌های زبانی میان دو زبان نشأت می‌گیرند. به عبارت دیگر، گاهی فقط یک ترجمه (یا ترجمه‌های محدودی) پذیرفته است و ترجمه‌های دیگر یا طبیعی و روان نیستند و یا معنای متفاوتی دارند؛ لذا مترجمان چاره‌ای جز انتخاب آن ترجمه ندارند. از سوی دیگر، در مواردی

مترجمان با معادل‌های بسیاری برای انتخاب از میان آن‌ها روبرو هستند که در این موارد سبک مترجم تعیین‌کننده است. هدف پژوهش حاضر بررسی سبک‌های مختلف ترجمه یا عوامل موثر بر یک ترجمه و در کل بررسی کیفیت ترجمه نیست، بلکه صرفاً می‌خواهیم در یک بررسی مقابله‌ای-زبانی متن مبدا و مقصد، راهبردهای چارچوب رده‌شناختی لوب دیل را در دو زبان مطالعه کنیم و تفاوت‌های رده‌شناختی قید حالت را در دو زبان بیابیم. لذا تأثیر هر یک از راهبردها بر ترجمه را از جنبه‌های دیگر مثل تفاوت‌های ایجاد شده از منظر معنایی، منظورشناختی، سبکی و یا غیره بررسی نخواهیم کرد. بررسی این موارد نیازمند پژوهش‌های دیگری است.

### ۳-۱- چارچوب رده‌شناختی لوب دیل (۲۰۰۵)

لازم به ذکر است که بنا بر ماهیت ترجمه‌ای این پژوهش، راهبردهای ۱ تا ۷ که در دو زبان استفاده نمی‌شوند را صرفاً نام می‌بریم و راهبردهای ۸ تا ۱۰ را که در دو زبان استفاده می‌شوند، توضیح می‌دهیم.

۱- راهبرد هم‌پایه شخصی <sup>۱</sup>	۲- راهبرد هم‌پایه غیرشخصی <sup>۲</sup>	۳- راهبرد وصفی <sup>۳</sup>
۴- راهبرد افعال قیدگون <sup>۴</sup>	۵- راهبرد صفت شخصی <sup>۵</sup>	۶- راهبرد وصفی ربطی <sup>۶</sup>
۷- راهبرد گزاره‌ای <sup>۷</sup>		
۸. راهبرد صفت غیرشخصی <sup>۸</sup>		He cries, (it is) desperate. (2005, p. 30)

در راهبرد صفت غیرشخصی، عبارت بیان‌کننده حالت به صورت صفت بیان می‌شود؛ هیچ مطابقه‌ای با فاعل جمله ندارد، یک راهبرد رویدادمحور است و صفت به عنوان محمول ثانویه برای

- 
1. The Coordinate Personal Strategy (COOR.PERS)
  2. The Coordinate Impersonal Strategy (COOR.IMPERS)
  3. The Participial Strategy (PCP)
  4. The Converb Strategy (CONV)
  5. The Adjective Personal Strategy (ADJ.PERS)
  6. The Copular Participle Strategy (PCP.COP)
  7. The Predicational Strategy (PRED)
  8. The Adjective Impersonal Strategy (ADJ.IMPERS)

رویداد قلمداد می‌شود. به لحاظ ساختاری ثابت و غیرقابل تغییر است. در یکی از شاخه‌های این راهبرد، صفت بدون تغییر ظاهری به قید تبدیل می‌شود. توضیحات مربوط، در مثال‌های ۶-۱۲ بیان شده است.

He cries with/ from/ out of/ in despair. (2005, p. 33)	۹- راهبرد عبارت حرف‌اضافه‌ای <sup>۱</sup>
--	---

عبارت بیان‌کننده حالت، شامل یک صفت یا اسم<sup>۲</sup> است که با یک حالت<sup>۳</sup> یا یک حرف‌اضافه مشخص شده است. این حرف‌اضافه می‌تواند از طبقات مختلفی همچون مکانی، جهتی، ابزاری و غیره باشد. شایان ذکر است که هر ترکیب حرف‌اضافه با صفت یا اسم حالت را نشان نمی‌دهد. برای مثال ترکیب «با عجله»، از همراهی حرف‌اضافه‌ی ابزاری «با» و صفت «عجله» ساخته شده است و حالت را نشان می‌دهد؛ اما در ترکیب «با چکش» گرچه حرف‌اضافه‌ی ابزاری «با» همراه با اسم «چکش» آمده است و گروه حرف‌اضافه‌ای را شکل داده است؛ اما راهبرد حرف‌اضافه‌ای محسوب نمی‌شود چرا که حالت خاصی را نشان نمی‌دهد. در هر دو زبان از این راهبرد استفاده می‌شود. مثال‌های ۳-۴ را در این ارتباط بررسی کنید.

He cries desperate-ly. (2005, p. 36)	۱۰- راهبرد قیدی <sup>۴</sup>
--------------------------------------	------------------------------

در این راهبرد کدگذاری حالت توسط عبارت حالت صورت می‌گیرد که دارای یک وند قیدی است. این راهبرد ۳ طبقه دارد: طبقه اول زبان‌هایی هستند که وند قیدی را از زبان دیگری قرض گرفته‌اند. لوب‌دیل (۲۰۰۵) زبان فارسی را در این قسمت قرار می‌دهد. ما نیز تنوین را گرچه وند محسوب نمی‌شود در این قسمت قرار می‌دهیم؛ چرا که تنوین ریشه در زبان عربی دارد و قیدساز است. در زبان‌هایی که در طبقه دوم قرار می‌گیرند وندهای قیدساز، ریشه در ابزارهایی برای بیان تأکید دارند. طبقه سوم گروهی از وندها هستند که مفاهیم «مثل، مانند و شباهت» را

- 
1. The Adpositional Phrase Strategy (PP)
  2. Abstract noun
  3. Case marker
  4. The Adverb Strategy (ADV)

۶۳ بررسی رده‌شناختی قید حالت براساس چارچوب لوب دیل ...

می‌سازند. هر دو زبان از این راهبرد بهره می‌برند. مثال‌های ۱-۴ و ۱۶-۱۸ را بررسی کنید.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به ۲ سؤال است:

۱- هر مترجم راهبردهای زبان انگلیسی را به چه راهبرد در زبان فارسی ترجمه کرده است؟

۲- می‌توان تناظر یک‌به‌یکی بین راهبردهای انگلیسی و زبان فارسی یافت؟

۴- یافته‌های پژوهش:

۴-۱- راهبردهای زبان انگلیسی و ترجمه متناظر آنها در زبان فارسی:

در این بخش به بررسی قیده‌های حالت در زبان انگلیسی و ترجمه متناظر آنها در زبان فارسی می‌پردازیم. لوب‌دیل (۲۰۰۵) عنوان می‌کند که بیشترین راهبرد مورد استفاده در زبان‌های پژوهشش راهبرد قیدی بوده است. در این راهبرد، قیدها از طریق اضافه شدن وندقیدساز به صفت یا اسم‌ذات تشکیل شده‌اند. در زبان فارسی یکی از شیوه‌های معمول ساخته‌شدن قید، اضافه شدن پسوندهای قیدساز مثل -انه، -وار، -ان و غیره به صفت و یا اسم‌ذات است. البته به نظر می‌رسد که اکثر وندهای قیدساز در هیچ‌یک از ۳ دسته‌ای که لوب‌دیل (۲۰۰۵) برای این راهبرد در نظر می‌گیرد، قرار نمی‌گیرند. درعین‌حال، ریشه‌ تنوین در قیدهایی از قبیل ضمناً، خواهشاً و سایر قیدهایی از این دست، به زبان عربی برمی‌گردد؛ اما تنوین وند نیست. با این حال، ما تمام وندهای قیدساز و تنوین را جزء این راهبرد محسوب می‌کنیم. صرفاً آنها را در طبقاتی که وی مشخص کرده قرار نمی‌دهیم. در زبان انگلیسی اولین راهبرد، راهبرد قیدی است که در زبان فارسی در اکثر موارد به همان راهبرد قیدی ترجمه شده است. این راهبرد به سایر گروه‌های زبانی اعم از صفت، فعل و گروه قیدی نیز ترجمه شده است.

مثال ۱ دارای راهبرد قیدی در دو زبان است

1- I unfortunately indulged in winking and making faces at them. (1847, p. 6)

بهرام بیگی: متأسفانه در چشمک زدن و شکلک در آوردن به سمت آنها زیاده‌روی کردم. (۱۳۹۱، ص. ۶)

رضایی: متأسفانه شروع کردم به شکلک در آوردن و چشم‌غره رفتن به این سه قلاده سگ. (۱۳۸۹، ص.

غلامپور: بدبختانه در ادا در آوردن و چشمک زدن به سوی آنها زیاده روی کردم. (۱۳۹۹، ص. ۷)

اعتمادی: متأسفانه در ادا در آوردن زیاده روی کردم. (۱۳۹۸، ص. ۲۱)

در مثال ۱، کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده است، راهبرد قیدی محسوب می‌شوند که در آنها پسوند قیدساز «-انه» به انتهای اسم‌های «متأسف» و صفت‌های «بدبخت» اضافه شده است و قید را شکل داده است. قابل ذکر است که نه در مثال انگلیسی و نه در مثال‌های زبان فارسی راهبرد حرف‌اضافه‌ای وجود ندارد. کلماتی که ایرانیک شده‌اند، گروه حرف‌اضافه‌ای محسوب می‌شوند و نه راهبرد حرف‌اضافه‌ای چرا که حالتی در آنها مشخص نشده است. در مثال ۲ راهبرد قیدی در انگلیسی توسط سه مترجم اول به راهبرد قیدی ترجمه شده است. در ترجمه اعتمادی نیز به گروه قیدی تبدیل شده است که مورد بحث چارچوب نمی‌باشد.

## 2- This is certainly a beautiful country! (1847, p. 3)

بهرام‌بیگی: حقیقتاً دهکده قشنگی است. (۱۳۹۱، ص. ۲)

رضایی: البته اینجا منطقه قشنگی است. (۱۳۸۹، ص. ۱)

غلامپور: اینجا واقعاً روستای زیبایی است. (۱۳۹۹، ص. ۲)

اعتمادی: جایی که در آن زندگی می‌کنم روستای بسیار زیبایی است. (۱۳۹۸، ص. ۱۴)

مثال ۳ در زبان انگلیسی دارای راهبرد قیدی است. مترجم اول آن را ترجمه نکرده است اما برای رساندن پیام، از قید «تعمداً» استفاده کرده‌اند که خود دارای راهبرد قیدی است. رضایی، راهبرد قیدی را به صورت قید زمان ترجمه کرده است که مورد بحث ما نیست و در مقوله سایر گروه‌ها می‌گنجد. ترجمه غلامپور راهبرد حرف‌اضافه‌ای استفاده شده است که در آن «با» حرف‌اضافه‌ای مکانی است که همراه با صفت «عجله» آمده است و حالت را مشخص می‌کند. در نهایت اعتمادی قید حالت را ترجمه نکرده است. در مثال ۳ کلمه «under» یک حرف‌اضافه‌ای مکانی است اما جز راهبرد حرف‌اضافه‌ای قلمداد نمی‌شود چرا که حالت را مشخص نمی‌کند. در زبان فارسی نیز «به‌روی» و «به‌زیر» دارای گروه حرف‌اضافه‌ای محسوب می‌شوند و حالت را مشخص نمی‌کنند.

## 3- she slipped her fork to the floor and hastily dived under the cloth (1847, p. 20).

بررسی رده‌شناختی قید حالت براساس چارچوب لوب دیل ... ۶۵

بهرام بیگی: تعمداً چنگالش را به روی زمین انداخت و برای برداشتن آن خم شد. (۱۳۹۱، ص. ۷۴)  
رضایی: چنگال از دستش افتاد زمین و زود دولا شد زیر میز تا کسی صورتش را نبیند. (۱۳۸۹، ص. ۹۱)

غلام‌پور: چنگالش را روی زمین انداخت و باعجله رومیزی را کنار زد و به زیر آن رفت. (۱۳۹۹، ص. ۷۶)

اعتمادی: چنگالش را روی زمین پرت کرد تا تمام احساسات پنهان شده‌اش را زیر رومیزی خالی کند. (۱۳۹۸، ص. ۹۲)

مثال ۴ در انگلیسی راهبرد حرف‌اضافه‌ای ندارد اما در ترجمه‌های فارسی آن راهبرد حرف‌اضافه‌ای و از طبقه‌ی ابزاری استفاده شده است. عبارت‌های «با خشونت» و «با تندی» ترکیب حرف‌اضافه‌ی مکانی با صفت هستند که حالت را مشخص می‌کنند.

4- "Not at your command!" retorted Hareton. "If you set store on him, you'd better be quiet."

بهرام‌بیگی: هیرتن با خشونت گفت: «به تو مربوط نیست، بهتر است ساکت شوی!» (۱۳۹۱، ص. ۱۳)  
رضایی: هیرتن با تندی گفت: «به تو ربطی ندارد! اگر جانش برایت مهم است بهتر است ساکت بمانی.» (۱۳۹۱، ص. ۲۷)

غلام‌پور: هاریتون با خشونت گفت: «به تو ربطی ندارد. اگر به او نظر داری، بهتر است ساکت شوی.» (۱۳۹۵، ص. ۱۹)

اعتمادی: هیرتن با خشونت پاسخ داد: «تو دخالت نکن، اگر برات مهمه بهتره ساکت باشی.» (۱۳۸۹، ص. ۳۹)

مثال ۵، نمونه‌ای است که در آن بهرام‌بیگی، رضایی و اعتمادی راهبرد قیدی را به صفت عالی ترجمه کرده‌اند و غلام‌پور به گروه صفتی ترجمه کرده است.

5- The snow began to drive thickly (1847, p. 12).

بهرام بیگی: در این موقع ریزش برف شدیدتر شده بود. (۱۳۹۱، ص. ۹)

رضایی: برف سنگین‌تر شده بود. (۱۳۸۹، ص. ۹)

غلام‌پور: بارش برف شدت بیشتری گرفته بود. (۱۳۹۹، ص. ۱۰)

اعتمادی: برف هر لحظه شدیدتر می‌شد. (۱۳۹۸، ص. ۷)

مثال ۶، نمونه‌ای از راهبرد دیگر زبان انگلیسی، یعنی راهبرد صفت غیرشخصی است. در این راهبرد صفت در حالت ریشه‌ای<sup>۱</sup> خودش است. حال یا باید از طریق اشتقاق صفر<sup>۲</sup> به قید تبدیل شود و یا هیچ‌وندی به آن اضافه نشده باشد مثل آرام، سنگین، محکم و غیره.

6- She held me fast but the horror gradually passed from her countenance. (1847, p. 101)

بهرام‌بیگی: مرا با دو دست محکم نگه‌داشت و به تدریج آثار خوف و وحشت از قیافه‌اش زائل شد. (۱۳۹۱، ص. ۱۶۲)

رضایی: مرا محکم گرفت، اما کم‌کم حالت وحشت از قیافه‌اش محو شد. (۱۳۸۹، ص. ۱۸۹)

غلام‌پور: مرا محکم گرفت اما کم‌کم ترس از چهره‌اش رخت بربست. (۱۳۹۹، ص. ۱۶۹)

اعتمادی: دست مرا محکم می‌فشرد اما به تدریج آثار وحشت از چهره‌اش ناپدید شد. (۱۳۹۸، ص. ۲۰۲)

مثال ۶ دارای راهبرد صفت غیرشخصی در زبان انگلیسی است که صفت «fast» از طریق اشتقاق صفر به قید «fast» تبدیل شده است. در زبان فارسی نیز راهبرد به‌کاربرده شده صفت غیرشخصی است زیرا صفت «محکم» از طریق اشتقاق صفر به قید تبدیل شده است. شایان ذکر است که صفت «کم‌کم» در هیچ‌یک از ترجمه‌ها راهبرد صفت غیرشخصی محسوب نمی‌شود چرا که صفت در آن به حالت ریشه‌ای نیست. در ترجمه بهرام‌بیگی و اعتمادی گروه «به‌تدریج» دارای راهبرد حرف‌اضافه‌ای است که در آن حرف‌اضافه‌ی مکانی «به» با «تدریج» همراه شده است و حالت انجام رسیدن رویداد را نشان می‌دهد. همچنین در زبان انگلیسی «from» حرف‌اضافه مکانی است اما از راهبرد حرف‌اضافه‌ای تبعیت نمی‌کند زیرا باید با صفت یا اسم‌ذات همراه باشد که در اینجا بعد از آن ضمیر قرار گرفته است. ترجمه‌های این کلمه در مثال ۶ که به صورت ایرانیک مشخص شده است راهبرد حرف‌اضافه‌ای ندارند.

اما در اینجا ذکر یک نکته لازم است: لوب‌دیل (۲۰۰۵) معتقد است این راهبرد در دو زبان انگلیسی و فارسی استفاده می‌شود و در هر دو زبان از طریق اشتقاق صفر کاملاً ممکن است.

---

1. Root form

2. Zero derivation

به مثال‌های ۷ و ۸ در این ارتباط دقت کنید:

۷- آنها خوب مشق می‌نویسند. (اطلاعات گویشور)

۸- سپهر دقیق به حرفش گوش کرد. (اطلاعات گویشور)

در این دو مثال، دو قید «خوب» و «دقیق» از طریق اشتقاق صفر از صفت بوجود آمده‌اند. اما نکته مهم این است که لوب‌دیل (۲۰۰۵) فاعل‌های این راهبرد را متفاوت در نظر می‌گیرد یعنی به نظر می‌رسد که در یک جمله یکسان فاعل فعل و فاعل قید یکی نیست. وی در ارتباط با زبان انگلیسی مثال ۹ و در ارتباط با زبان فارسی مثال‌های ۱۰ و ۱۱ را مثال می‌زند: (۲۰۰۵، ص. ۲۵۴ و ۲۳۳)

9- *He rans fast*

10- *âhesteh* *râh miraftand*

Slow.ADJ/ADV they walked

'They walked slowly'

11- *aqelâneh* *javâb dâd*

Intelligent.ADJ/ADV answer gave.3SG

'He answered intelligently'

در مثال‌های ۹ و ۱۰ صفت از طریق اشتقاق صفر به قید تبدیل شده است؛ اما فاعل‌های متفاوتی در جمله وجود ندارد. در مثال ۱۱ نیز صفت «عاقل» از طریق *وند* «-انه» به قید تبدیل شده است که نه تنها عملاً نمونه‌ای از این راهبرد نمی‌تواند باشد بلکه فاعل‌های متفاوت نیز در آن استفاده نشده است. در این ارتباط توضیحات انوشه (۱۳۹۷) راهگشاست.

لوب‌دیل معتقد است که صفت بیان‌کننده حالت در این راهبرد، محمول‌ثانویه برای رویداد است و راهبردی رویدادمحور است. انوشه (۱۳۹۷) بیان می‌کند که محمول‌ثانویه بندی است که جایگاه فاعل آن توسط یک ضمیر مستتر پر شده است و این ضمیر هم‌نمایه با یکی از موضوع‌های جمله اصلی است. وی معتقد است که در زبان فارسی ۲ نوع محمول‌ثانویه وجود دارد:

نوع اول) محمول‌ثانویه همادی که می‌تواند فاعل‌محور و مفعول‌محور باشد. به مثال ۱۲-

الف و ب دقت کنید. مثال ۱۲- الف نمونه‌ای از محمول‌های فاعل‌محور است و مثال ۱۲- ب

نمونه‌ای از محمول‌های مفعول‌محور محسوب می‌شود:

۱۲- الف- معمولاً بیمارستان‌ها غذا را [آبیز] به بیماران تحویل می‌دهند. (۱۳۹۷، ص. ۲)

ب- ماموران پلیس هر دو متهم را [دست‌بسته] به دادگاه آوردند. (۱۳۹۷، ص. ۴)

نوع دوم) محمول ثانویه پیامدی که صرفاً مفعول‌محور است. به مثال ۱۳ دقت کنید:

۱۳- در این مزرعه اسب‌های مسابقه‌ای را [چابک و سبک‌وزن] پرورش می‌دهند.

وی عنوان می‌کند که در مثال‌های ۱۲ و ۱۳: «فاعل ساختاری محمول ثانویه به مفعول بند اصلی نسبت می‌یابد. به عبارت بهتر، مفعول جمله‌ی اصلی در واقع فاعل بند ناخودایستایی است که محمول ثانویه هسته معنایی آن را تشکیل می‌دهد» (۱۳۹۷، صص. ۲-۳). یعنی به نوعی احساس می‌شود که دو فاعل متفاوت در جمله وجود دارد.

تا اینجا تمام ویژگی‌های این راهبرد در زبان فارسی موجود است بجز اینکه انوشه (۱۳۹۷) معتقد است که در زبان فارسی «ساختارهای محمول ثانویه- برخلاف قیدهای گروه فعلی که رویدادمحور هستند، یا فاعل محور هستند و یا مفعول‌محور و به یکی از موضوع‌های جمله ارجاع دارند» (۱۳۹۷، ۴). پس عملاً در زبان فارسی راهبرد صفت غیرشخصی به صورت رویداد محور نمی‌تواند باشد چراکه محمول‌های ثانویه در زبان فارسی فاعل‌محور یا مفعول‌محور هستند. در صورتی که بخواهیم این راهبرد را برای زبان فارسی در نظر بگیریم باید از ۲ جهت از ویژگی رویداد محور بودن آن صرف نظر کنیم.

اول اینکه انوشه (۱۳۹۷) صفت‌های بیان‌کننده حالت را رویدادمحور در نظر نمی‌گیرد بلکه قیدهای گروه فعلی را رویدادمحور در نظر می‌گیرد. پس اگر قرار باشد این راهبرد به صورت رویدادمحور در زبان فارسی کاربرد داشته باشد صرفاً باید صفت‌هایی که از طریق اشتقاق صفر به قید تبدیل شده‌اند از این راهبرد بهره ببرند و نه صفت‌های ساده.

دوم اینکه در زبان فارسی سایر ویژگی‌های راهبرد به صورت فاعل‌محور و مفعول‌محور نیز وجود دارد. به مثال‌های ۱۴ و ۱۵ دقت کنید:

۱۴- خواهرش همیشه بچه‌هایش را تمیز به مهمانی می‌فرستد. (اطلاعات گویشور)

۶۹ بررسی رده‌شناختی قید حالت براساس چارچوب لوب دیل ...

در مثال ۱۴، «تمیز» یک صفت است که از طریق اشتقاق صفر به قید تبدیل شده است و مفعول‌محور است.

۱۵- حال وی به‌راستی ناگوار بود اما هیت کلیف پسری شجاع بود. (بهرام‌بیگی، ۱۳۹۱، ص. ۴۷)  
در مثال ۱۵ «شجاع» یک صفت ساده است و ارجاع آن به فاعل برمی‌گردد و فاعل‌محور است.

این راهبرد می‌تواند به سایر گروه‌ها و راهبردهای دیگر نیز ترجمه شود مثل راهبرد قیدی، حرف‌اضافه‌ای و گروه‌های مختلف اسمی، صفتی و قیدی.

مثال ۱۶، دارای راهبرد صفت غیرشخصی در انگلیسی است. این راهبرد در زبان فارسی توسط سه مترجم اول به صورت گروه حرف‌اضافه‌ای ترجمه شده است و حالتی را مشخص نمی‌کند.

16- ... the larks singing high overhead. (1847, p. 199)

بهرام‌بیگی: ... چکاوک‌ها روی سرمان آواز می‌خوانند. (۱۳۹۱، ص. ۳۷۱)

رضایی: ... و چکاوک‌ها بالای سر آدم آواز بخوانند. (۱۳۸۹، ص. ۳۷۴)

غلام‌پور: ... و چکاوک‌ها بالای سرمان آواز می‌خوانند. (۱۳۹۹، ص. ۳۶۵)

اعتمادی: ... چکاوک‌ها نغمه‌سرایی می‌کنند. (۱۳۹۸، ص. ۳۶۵)

#### ۴-۲- جملاتی با ساختارهای متفاوت

در ادامه به جملاتی می‌پردازیم که هر کدام به نحوی با جملاتی که تا اینجا به آنها پرداختیم تفاوت دارند:

#### الف: جملاتی که در زبان انگلیسی قید حالت ندارند اما در زبان فارسی قید حالت دارند

در این جملات، مقولات مختلفی همچون صفت، فعل، مصدر و غیره در زبان انگلیسی به قید حالت در زبان فارسی ترجمه شده‌اند. در نمونه‌های جمع شده تعداد ۲۰ جمله به این صورت هستند. در مثال ۱۷ مصدر در زبان انگلیسی توسط بهرام‌بیگی، رضایی و اعتمادی به راهبرد حرف‌اضافه‌ای ترجمه شده است و توسط غلام‌پور به گروه قیدی ترجمه شده است که مورد بحث

چارچوب نیست. در مثال ۱۸ گروه فعلی توسط سه مترجم اول به راهبرد حرف‌افزای ترجمه شده است.

17- "Thruscross Grange is my own, sir," he interrupted, wincing. (1847, p. 2)

بهرام بیگی: باشگفتی صحبت مرا قطع کرد و گفت: .... (۱۳۹۱، ص. ۱۶)

رضایی: با اخم دوید وسط حرفم: ... (۱۳۸۹، ص. ۶)

غلام‌پور: درحالی که چهره‌اش را درهم کشیده بود سخنم را قطع کرد: .... (۱۳۹۹، ص. ۶)

اعتمادی: با عصبانیت حرفم را قطع کرد و گفت: .... (۱۳۹۸، ص. ۱۵)

18- All day had been flooding with rain (1847, p. 16)

بهرام بیگی: سراسر روز به شدت باران می‌بارید. (۱۳۹۱، ص. ۹)

رضایی: تمام روز به شدت باران می‌بارید. (۱۳۸۹، ص. ۹)

غلام‌پور: سراسر روز به شدت باران می‌آمد. (۱۳۹۹، ص. ۹)

اعتمادی: تمام روز باران بارید. (۱۳۹۸، ص. ۸)

### ب: جملاتی که در زبان انگلیسی قید حالت دارند اما در زبان فارسی ندارند

در میان داده‌های این پژوهش، ۱۷ مورد از این قبیل پیدا شد. مثال ۱۹ در زبان انگلیسی دارای راهبرد قیدی است که قید آن توسط هیچ‌یک از مترجمان ترجمه نشده است.

19- and then sullenly preceded me up the causeway. (1847, p. 4)

بهرام بیگی: سپس بدون مقدمه در جلو من روی جاده باریک به راه افتاد. (۱۳۹۱، ص. ۲)

رضایی: بعدهم زود سرش را انداخت پایین و جلوتر از من در گذرگاه به راه افتاد. (۱۳۸۹، ص. ۷)

غلام‌پور: بعد بی مقدمه پیشاپیش من روی سنگفرش به راه افتاد. (۱۳۹۹، ص. ۴)

اعتمادی: آنگاه جلوتر از من روی سنگفرش جاده میان باغ به راه افتاد. (۱۳۹۸، ص. ۱۶)

در مثال ۲۰ قید توسط دو مترجم اول به صورت‌های دیگر ترجمه شده است اما رضایی از «بی‌ادب» استفاده کرده است که دارای راهبرد حرف‌افزای است. دو مترجم دوم جمله‌ی دارای قید را کلاً ترجمه نکرده‌اند.

20- said the unmannerly wretch (1847, p. 15)

بهرام‌بیگی: با این توهین هیت کلیف ... (۱۳۹۱، ص. ۱۹)

رضایی: پست فطرت بی‌ادب گفت: ... (۱۳۸۹، ص. ۲۶)

غلام‌پور: ترجمه نکرده است.

اعتمادی: ترجمه نکرده است.

### ج: جملاتی که به نظر می‌رسد چارچوب لوب دیل آنها را پوشش نمی‌دهد.

این جملات در هر دو زبان دارای قید حالت هستند اما در هیچکدام از راهبردها قرار نمی‌گیرند. ۶ مورد از این دست پیدا کردیم. در مثال ۲۱، واژه "suddenly" قید حالت است و از راهبرد قیدی بهره می‌برد. در ترجمه بهرام‌بیگی و رضایی به «ناگهان» ترجمه شده است که شامل هیچ یک از راهبردهایی که در فارسی استفاده می‌شود نیست. چرا که در راهبرد حرف‌اضافه‌ای وجود حرف‌اضافه‌ای که با یک صفت یا اسم آمده باشد ضروری است و در راهبرد قیدی کدگذاری حالت توسط عبارت حالت صورت می‌گیرد که دارای یک وند قیدی است. حال آنکه از یک سو با «ناگهان» اسم یا صفتی نیامده است و از سوی در این کلمه وند قیدی وجود ندارد. پس می‌توان گفت که ترجمه این جمله با چارچوب لوب‌دیل (۲۰۰۵) همخوانی ندارد.

21- With these words, she suddenly splashed a pint of icy water down my neck. (1847, p. 14)

بهرام‌بیگی: پس از گفتن این کلمات ناگهان لیوانی آب سرد بر صورتم پاشیده شد. (۱۳۹۱، ص. ۲۱)

رضایی: پس از گفتن این کلمات ناگهان لیوانی آب سرد بر صورتم پاشیده شد. (۱۳۸۹، ص. ۲۲)

غلام‌پور: پس از گفتن این کلمات به‌طور ناگهانی ظرفی آب یخ روی سرم پاشیده شد. (۱۳۹۹، ص. ۲۴)

اعتمادی: با این سخنان به‌طور ناگهانی مقداری آب و یخ بر روی گردنم پاشید. (۱۳۹۸، ص. ۱۲)

### ۵- بحث

در جدول ۱، راهبردهای مورد استفاده در زبان انگلیسی با راهبردهایی که مترجمان در زبان فارسی به کار برده‌اند، مقایسه شده است.

جدول ۱. راهبرد به کار رفته در زبان انگلیسی و متناظرهای آنها در زبان فارسی

صفت غیر شخصی	حرف اضافه‌ای	قیدی	راهبردهای انگلیسی
			متناظر فارسی هر مترجم
صفت غیر شخصی - قیدی - حرف اضافه‌ای - سایر گروه‌ها	حرف اضافه‌ای - سایر گروه‌ها	قیدی - سایر گروه‌ها	بهرام بیگی
صفت غیر شخصی - قیدی - حرف اضافه‌ای - سایر گروه‌ها	حرف اضافه‌ای - سایر گروه‌ها	قیدی - سایر گروه‌ها	رضایی
صفت غیر شخصی - قیدی - حرف اضافه‌ای - سایر گروه‌ها	حرف اضافه‌ای - سایر گروه‌ها	قیدی - سایر گروه‌ها	غلام‌پور
صفت غیر شخصی - قیدی - حرف اضافه‌ای - سایر گروه‌ها	حرف اضافه‌ای - سایر گروه‌ها	قیدی - سایر گروه‌ها	اعتمادی

همان‌گونه که در جدول ۱ مشخص است، راهبردهای قیدی، حرف اضافه‌ای و صفت غیر شخصی در انگلیسی، هم به راهبردهای فوق‌الذکر ترجمه شده‌اند و هم به سایر گروه‌ها. گرچه تجزیه داده‌های این پژوهش نشان داد که در اکثر مواقع راهبردهای موجود در جملات انگلیسی به همان راهبردها در زبان فارسی ترجمه شده‌اند، با این حال جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم هر راهبرد در زبان انگلیسی متناظر ویژه و خاصی در زبان فارسی داشته باشد چرا که عوامل مختلف دخیل در ترجمه اعم از عوامل زبانی، اخلاقی، فرهنگی، زیباشناختی و حتی دیدگاه مترجم می‌تواند در ترجمه راهبردها تأثیر داشته باشد. جدول ۲، میزان استفاده هر مترجم از راهبردهای قیدی، حرف اضافه‌ای و صفت غیر شخصی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. میزان استفاده هر مترجم از راهبردهای چارچوب لوب دیل

صفت غیر شخصی	حرف اضافه‌ای	قیدی	راهبرد
			مترجم
۱۸	۲۱	۴۵	بهرام بیگی

۱۵	۱۹	۴۹	رضایی
۱۶	۲۰	۴۰	غلام‌پور
۱۸	۱۸	۴۶	اعتمادی
۶۶	۷۸	۱۸۰	جمع کل

همان‌گونه که در جدول ۲ مشخص است، بیشترین راهبرد با تعداد ۱۸۰ مرتبه مربوط به راهبرد قیدی است که با نتایج لوب‌دیل در این زمینه تطابق دارد زیرا وی گسترده‌ترین راهبرد در زبان‌های مورد مطالعه‌اش را راهبرد قیدی می‌داند. این موضوع در زبان فارسی نیز صادق است چرا که در زبان فارسی نیز زیاترین و رایج‌ترین شیوه ساخت قید، اضافه کردن وندهای مختلف به انتهای اسم یا صفت است. استفاده مترجمین مختلف از این راهبرد نیز تأییدکننده این مطلب است. دومین راهبرد پر استفاده توسط مترجمین مربوط به راهبرد حرف‌اضافه‌ای است. این نتیجه نیز همسو با آراء لوب‌دیل (۲۰۰۵) است چرا که وی دومین راهبرد پرمصرف در زبان‌های مورد مطالعه‌اش را، راهبرد حرف‌اضافه‌ای می‌داند. وی عنوان می‌کند که راهبرد فوق‌الذکر در برخی زبان‌ها به عنوان راهبرد اول مورد استفاده است و در برخی زبان‌ها به عنوان راهبرد دوم یا سوم که آن را جزء پرمصرف‌ترین راهبردها می‌کند. جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در زبان فارسی نیز این چنین است و راهبرد حرف‌اضافه‌ای به عنوان دومین راهبرد مورد استفاده مترجمین بوده است. راهبرد سوم راهبرد صفت غیرشخصی است که در زبان فارسی نیز نسبت به دو راهبرد دیگر کمتر رایج و شایع است. جدول ۳، نشان دهنده ۳ مدل جمله است:

۱- جملاتی که قید آنها به زبان فارسی ترجمه نشده است.

۲- جملاتی که در زبان انگلیسی دارای قید حالت بوده‌اند اما در زبان فارسی نه.

۳- جملاتی که در زبان انگلیسی قید حالت نداشته‌اند اما در زبان فارسی دارای قید حالت هستند.

در انگلیسی قید نبوده اما در فارسی به حالت قیدی ترجمه شده	ترجمه نشده	ترجمه به سایر مقولات زبان اعم از صفت، فعل و ...	مسئله موجود مترجم
۷	۸	۹	بهرام بیگی

رضایی	۱۰	۹	۵
غلامپور	۷	۸	۵
اعتمادی	۵	۷	۳

جدول ۳. جملاتی که به شکل‌های متفاوت از راهبردها تبعیت نکرده‌اند

در این پژوهش تلاش شده است تا نتیجه‌ای جامع و کامل به دست آید چراکه در بحث ترجمه مهم است هنگام مقایسه‌ی زبان فارسی با هر زبان دیگری و در این پژوهش با زبان انگلیسی، به نتایج دقیق و جامعی دست پیدا کنیم تا بتوانیم نه تنها ویژگی‌های زبان مبدا را در ترجمه حفظ کنیم، بلکه متنی روان و گویا در زبان مقصد تولید نماییم. لذا مسئله همه جانبه بودن شیوه‌های بیان و تولید قید حالت و عبارات بیان کننده حالت اهمیت زیادی می‌یابد. به همین دلیل انواع جملاتی که در آنها به هر نحوی قید حالت استفاده شده، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. همان‌گونه که از جدول ۳ برمی‌آید، جمعاً مترجمین مختلف در ۳۲ مورد قید حالت در انگلیسی را به سایر مقولات زبانی در فارسی ترجمه کرده‌اند. در ۳۲ مورد قید حالت در انگلیسی ترجمه نشده است و در ۲۰ مورد قید حالت به جملات زبان فارسی اضافه شده است.

#### ۶- نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اول این پژوهش می‌توان نوشت همان‌گونه که در جدول ۱ مشخص شد مترجمین راهبرد قیدی در زبان انگلیسی را به راهبردهای قیدی و سایر گروه‌ها ترجمه کرده‌اند. راهبرد حرف‌اضافه‌ای نیز به راهبرد حرف‌اضافه‌ای و سایر گروه‌ها ترجمه شده است. راهبرد صفت غیرشخصی نیز به صفت غیرشخصی و سایر گروه‌ها ترجمه شده است. در جواب سؤال دوم باید گفت که راهبردهای مورد استفاده در زبان انگلیسی راهبردهای قیدی، حرف‌اضافه‌ای و صفت غیرشخصی بوده است. در این پژوهش مشخص شد که راهبردهای قیدی در اکثر موارد به همین راهبرد در فارسی ترجمه شده است و در موارد متعددی به سایر گروه‌ها ترجمه شده‌اند. راهبرد حرف‌اضافه‌ای نیز به راهبرد حرف‌اضافه‌ای و سایر گروه‌ها در زبان فارسی ترجمه شده است. در نهایت راهبرد صفت غیرشخصی به همین راهبرد و راهبردهای قیدی، حرف‌اضافه‌ای و سایر گروه‌ها ترجمه شده است. می‌توان گفت که راهبرد قیدی در زبان انگلیسی می‌تواند متناظر راهبرد قیدی

در زبان فارسی باشد اما نه به‌طور کامل و قطعی زیرا در موارد متعددی به سایر گروه‌ها در زبان فارسی ترجمه شده است. همین‌طور در ارتباط با راهبرد حرف‌اضافه‌ای می‌توان گفت راهبرد متناظرش در زبان فارسی راهبرد حرف‌اضافه‌ای است اما این حرف، به طور قطعی نیست زیرا این راهبرد به سایر گروه‌ها نیز ترجمه شده است. راهبرد صفت غیرشخصی نیز همانند دو راهبرد قبل است با این تفاوت که موارد کاربردش محدودتر است و بیشتر به راهبردهای قیدی، حرف‌اضافه‌ای و سایر گروه‌ها ترجمه شده‌است.

پژوهش حاضر از جنبه‌های گوناگونی با محدودیت‌های مختلف مواجه بوده است. به عنوان مثال در ارتباط با چارچوب رده‌شناختی لوب‌دیل تحقیقات ناچیزی در زبان فارسی صورت گرفته است. از دیگر محدودیت‌ها، ناشناخته بودن زبان‌های مورد مطالعه لوب دیل برای نویسندگان است که درک راهبردها را سخت‌تر می‌کند. در همین راستا پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های گسترده‌تری با استفاده از این چارچوب در میان زبان‌های کشورمان انجام شود تا نه تنها جایگاه رده‌شناختی قید حالت در آنها مشخص شود، بلکه به مجموعه نفیسی از رده‌شناختی قید حالت در زبان فارسی برسیم.

#### منابع:

- ارژنگ، غ. (۱۳۹۷). دستور زبان فارسی امروز. چاپ نهم، قطره.
- انوشه، م. (۱۳۹۸). نمود دستوری در ساخت فعل‌های پیاپی در زبان فارسی: رویکردی کمینه‌گرا. نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال ۱۱، ش ۱، صص. ۷۳-۹۱.
- انوشه، م. (۱۳۹۷). محمول‌های ثانویه در زبان فارسی رویکردی کمینه‌گرا، پژوهش‌های زبانی، ش. ۲، صص. ۱-۲۱.
- باطنی، م. ر. (۱۳۸۹). توصیف ساختمان دستور زبان فارسی. چاپ ۱۳، امیرکبیر.
- برونته، ا. (۱۳۹۹). بلندی‌های بادگیر، ترجمه نگار غلام‌پور. انتشارات رمان روزگار (نشر اصلی اثر، ۱۸۴۷).
- برونته، ا. (۱۳۹۸). بلندی‌های بادگیر، ترجمه مرجان اعتمادی. انگیزه مهر (نشر اصلی اثر ۱۸۴۷).
- برونته، ا. (۱۳۹۱). بلندی‌های بادگیر، ترجمه علی‌اصغر بهرام‌بیگی. نشر نو با همکاری انتشارات جامی (نشر اصلی اثر ۱۸۴۷).

- برونته، ا. (۱۳۸۹). بلندی‌های بادگیر، ترجمه رضا رضایی. انتشارات نشرنی (نشر اصلی اثر ۱۸۴۷).
- جهانتیغی، ع.، منصوری، م. و مولودی، ا. م. (۱۳۹۷). توالی بی‌نشان قید حالت، مکان و زمان در فارسی و انگلیسی: رهیافتی در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- دانشور کشکولی، مرجان (۱۳۹۴). قید فارسی از نگاه دستوری نقش‌گرای نقش و ارجاع. مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی. صص. ۴۴۳-۴۳۲.
- رحیمیان، ج. (۱۳۸۹). ساخت زبان فارسی. انتشارات دانشگاه شیراز.
- رضایی، و. و خدری، ن. (۱۴۰۱). قیدهای زبان فارسی از نگاه سرنمون رده‌شناختی به اجزاء کلام. مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، سال ۱۴، ش ۴، صص. ۱۰۱-۱۲۴.
- شکری، م.، نظری، ع.، میرزایی الحسینی، س. م. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی واحدهای زبانی وصف فعل و صفت در عرب با قید در فارسی و انگلیسی. نشریه زبان‌پژوهی، ۱۱(۳۲)، ۴۵-۷۷.  
<https://doi.org/10.22051/ijr.2018.16729.1395>
- طیب‌زاده، ا. (۱۳۹۱). دستور زبان فارسی براساس نظریه‌ی گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی، نشر مرکز.
- قطره، ف. (۱۳۹۶). نگاهی به تعریف قید در فرهنگ‌های فارسی و انگلیسی. ویژه‌نامه نامه فرهنگستان، (۱۲)، ۶۶-۴۹.
- کریمی دوستان، غ.، و تجلی، و. (۱۳۹۶). نگاهی نو به قید حالت در زبان فارسی. جستارهای زبانی، (۴)، ۲۸۱-۲۵۹.

Bronte, E., J (1847). *Wuthering Heights*. TC Newby.

Loeb-Diehl, F. (2005). *Typology of Manner Expression*. Ph.D. thesis, University of Nijmegen. Redbud.